Theories and criticism in Arabic literature
The Third Year, Issue ٩, Spring ١٤٠٢
Pp:١-٢٠

Research Paper
DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٣,٤٢٥٨٢٣,١٠٣٧

A Critique of the Book "Al-Fann Al-Qasasi fi Al-Nathr Al-Arabi Hatta Matla' al-Qarn al-Khamis al-Hijri" by Rakan Al-Safadi

Masood Bavan Puri [١]

Abdul Ahad Ghaibi [٢]

(Received: ٢٠٢٣,١١,١٨ ,Accepted: ٢٠٢٣,١١,٢٩)

Abstract

Today, critique of works in scientific, literary, and academic fields enjoys a prominent position and can assist decision-makers in selecting suitable textbooks. The book "Al-Fann Al-Qasasi fi Al-Nathr Al-Arabi Hatta Matla' al-Qarn al-Khamis al-Hijri" by Rakan Al-Safadi is one of the works written in the field of classical Arabic narrative literature. This study aims to introduce, critique, and evaluate the strengths and weaknesses of this work, as well as inform the reader about its content. The authors, using a descriptive–analytical method and established scientific criteria, have reached the following conclusions: the strengths of this book far outweigh its shortcomings, and if several minor flaws—which are mostly related to its appearance—are resolved, this book can be considered an accurate and commendable academic work. In terms of form, features such as the title, introduction, clear objectives, absence of writing errors, and language are among its strengths. However, the lack of suitable back cover, lack of a preface, weak layout, inconsistent table of contents, and absence of images and illustrations are among the weaknesses. In terms of content, the book possesses numerous strengths, including logical order and coherence of topics, full compliance with the syllabus, alignment with Islamic culture, adherence to scientific neutrality, strong analytical ability, and a rich conclusion. However, it also exhibits minor, rectifiable weaknesses such as the absence of a scholarly background and some seemingly biased claims.

Keywords: Critique, Rakan Al-Safadi, Al-Fann Al-Qasasi fi Al-Nathr Al-Arabi Hatta Matla' al-Qarn al-Khamis al-Hijri

---

١ Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, Email: mbavanpouri@yahoo.com. (Responsible author)
٢. Professor, Shahid Madani University of Azarbaijan, Emil: abdolahad@azaruniv١.ac.ir.

© **The Author(s).** **Publisher**: Kosar University

التنظیرات و النقد فی الأدب العربی

السنة الثالثة، العدد ۹، ربیع ۱٤۰۲

صص: ۲۰-۱

مقاله پژوهشی

DOI: ۱۰,۲۲۰۳٤/JRAL.۲۰۲۳,٤۲٥۸۲۳,۱۰۳۷

کتاب «الفن القصصی فی النثر العربی حتی مطلع القرن الخامس الهجری» اثر رکان الصفدی در بوتهٔ نقد

مسعود باوان پوری [۱]

عبدالأحد غیبی [۲]

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷ ، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸)

چکیده

امروزه نقد آثار نوشته‌شده در حوزه‌های مختلف علمی، ادبی و دانشگاهی از جایگاه والایی برخوردار است و می‌تواند راهگشای مسئولانِ امر در زمینهٔ انتخاب کتابی مناسب برای تدریس باشد. کتاب «الفن القصصی فی النثر العربی حتی مطلع القرن الخامس الهجری» اثر رکان الصفدی یکی از کتاب‌هایی است که در حوزهٔ ادبیات داستانیِ قدیم عربی نگاشته شده است. جستار حاضر گامی در راستای معرفی و نقد و بررسی نقاط قوّت و کاستی این اثر و اطلاع‌رسانی از اطلاعات موجود در آن به خواننده است. نویسندگان با استفاده از روش توصیفی – تحلیلی و با استفاده از معیارهای اثبات‌شدهٔ علمی به بررسی انتقادی این اثر پرداخته و به این نتایج دست یافته‌اند: واقعیت امر این است که نقاط قوّت کتاب حاضر آن قدر بر نقاط کاستی آن غالب است که با رفع چندین نقص، که بیشتر در بُعد ظاهری اثر نمودار است، می‌توان کتاب حاضر را یک کتاب علمی دقیق و قابل تحسین معرفی کرد. در بعد ظاهری: عنوان اثر، مقدمه، اهداف روشن، عدم وجود اشتباهات نوشتاری و نیز زبان کتاب از نقاط قوّت نویسنده و در مقابل: نداشتن پشت جلد مناسب، نداشتن پیشگفتار، صفحه‌آرایی ضعیف، عدم یکسانی فهرست مطالب و نیز نداشتن تصویر و شکل را از نقاط ضعف اثر برشمرد. در بُعد محتوایی نیز کتاب دارای نقاط قوّت بی‌شماری است مانند: داشتن نظم منطقی و انسجام مطالب، تطبیق کامل آن با سرفصل درسی، سازگاری با فرهنگ اسلامی، رعایت بی‌طرفی علمی و نیز قدرت بالای نویسنده در تحلیل علمی و داشتن خاتمه‌ای پربار. در مقابل چندین نقطه ضعف سطحی دارد که با قابل رفع است مانند: نداشتن پیشینه علمی و اندکی ادعاهای به نظر جانب‌گرایانه.

کلیدواژه‌ها: نقد، رکان الصفدی، الفن القصصی فی النثر العربی حتی مطلع القرن الخامس الهجری

---

۱. استادیار، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم- ایران، ایمیل: mbavanpouri@yahoo.com.

۲. استاد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ایمیل: abdolahad@azaruniv۱.ac.ir.

© **حق مولف نویسندگان** **ناشر:** دانشگاه کوثر

۱. مقدمه

هدف شورای بررسی متون و برنامه‌های علوم انسانی، بررسی صلاحیت یک کتاب و میزان مطابقت آن برای تبدیل شدن به یک کتاب درسی یا کمک درسی است که بتوان از آن در امر تدریس بهره گرفت چرا که «امروزه در اغلب کشورها، تقریباً در تمام نظام‌های آموزشی، به کتاب‌های درسی به عنوان رسانه‌ای آموزشی در قیاس با سایر رسانه‌ها نگاه می‌شود» (فردانش، ۱۳۸۲: ۳۵). لازمهٔ ارتقای کیفی هر کتاب، نقد و بررسی انتقادی آن است. نقد یک کتاب با دیدگاه درسی بودن آن، دارای اصول و قواعد مشخصی است زیرا «کتاب درسی به رغم تنوع و تکثر وسایل جدید آموزشی و اطلاع‌رسانی، از مهم‌ترین ابزار آموزشی در همهٔ سطوح به شمار می‌رود و در تحقق اهداف آموزشی و اطلاع‌رسانی نقش اساسی دارد» (رضی، ۱۳۸۸: ۲۱).

در کنار ذوق فطری و ادبی برخی ناقدان که با آیتم‌ها و سبک خاص خود به نقد کتاب می‌پردازند، امروزه این موضوع جنبه‌ای رسمی به خود گرفته است و «به بررسی علمی متون ادبی از جهت منابع، صحت متن، سبک نگارش، ویژگی‌ها و تاریخ آنها» می‌پردازد (خلیل، ۲۰۱۰: ۱۱). باید توجه داشت که یک ناقد حرفه‌ای و متعهد باید در کنار تلاش برای یافتن نقاط ضعف احتمالیِ یک اثر و گوشزد کردن نکات ارزشمند به نویسنده، به یاد داشته باشد که «نقد شایسته و منصفانه آن است که در کنار نواقص و ناروایی‌ها، نقاط قوت اثر نیز بررسی شود» (سیاوشی، ۱۳۹۱: ۵۸) چرا که هدف بررسی انتقادی یک کتاب، «آگاه کردن علاقه‌مندان از ساختار و محتوای کتاب‌هاست» (حرّی،۱۳۸۰: ۱۹۴).

پژوهش حاضر در تلاش است با استفاده از روش توصیفی – تحلیلی و بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای، به بررسی انتقادی کتاب «الفن القصصی فی النثر العربی حتی مطلع القرن الخامس الهجری» اثر رکان الصفدی بپردازد. هدف پژوهش نیز بررسی این کتاب و اظهار رأی در مورد سطح آموزشی آن و میزان تطابق این کتاب ارزشمند با سرفصل آموزشی گروه زبان و ادبیات عربی است. بدین‌منظور سعی شده است در دو بُعد کلّیِ ساختاری و محتوایی این اثر مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. سؤالاتی که جستار حاضر در جهت پاسخ به آنها به رشتهٔ تحریر درآمده است عبارتند از:

ویژگی‌های مثبت و منفی این اثر در ابعاد ساختاری و محتوایی کدام‌اند؟

تا چه میزان می‌توان این کتاب را یک کتاب آموزشیِ قابلِ تدریس در دانشگاه‌های ایران دانست؟.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون مقالات ارزشمندی در نقدِ آثار حوزهٔ ادبیات داستانی عربی به رشتهٔ تحریر درآمده که در زیر به بخشی از آن اشاره شده است: پیمان صالحی (۱۴۰۰) در مقالهٔ «تحلیل انتقادی کتاب النقد الأدبی العربی الجدید فی القصّة والرّوایة والسّرد»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، به این نتایج دست یافته است: شیوه ارائه فصول هشت‌گانه کتاب با قلمی بسیار شیوا، نشان‌دهندهٔ این است که از یک مهندسی از پیش‌تعیین‌شده برخوردار بوده و موضوعات محتوایی، دارای یک تسلسل منطقی و قابل قبول است. داده‌ها و مثال‌های این کتاب در هر فصل، بسیار زیاد است. علی‌رغم این که ابوهیف معیارهای نقدی مشخّصی را برای نقد آثار نقدی در نظر نگرفته و این از جمله ایرادات اساسی کتاب است با این حال، تحلیل‌های او از انواع گوناگون آثار نقدی، دارای استحکام بسیار خوب و قانع‌کنندهٔ خواننده است. استناد به حدود۵۰۰ اثر از ناقدان کشورهای مختلف عربی می‌تواند دلیل محکمی بر عدم تعصّب او در بکاربردن شواهد نقدی باشد. اویس محمدی (۱۴۰۰) در مقالهٔ «نقد کتاب تحلیل النصوص الأدبیة؛ قراءات نقدیة فی السرد والشعر»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، به این نتیجه رسیده است که ارجاع

ندادن به منابع اصلی، عدم ذکر نام لاتین اصطلاحات نقد، عدم استفاده از پانویس‌های توضیحی یا استفاده نادرست از آن و ناهمگونی ساختاری متون روایی برگزیده، بارزترین اشکال‌های ساختاری کتاب‌اند. تقلیل مکتب‌های نقدی و مفهوم خوانش و تعمیم رویکردهای کلاسیک نقد روانکاوانه و جامعه‌شناختی بر تمامی نظریه‌های این دو حوزه و ارائه‌ی خوانش‌هایی نامنسجم و تأثری، مهم‌ترین ایرادهای محتوای کتاب است که نمونه‌های آن، در بیان آراء پراکنده، کلی‌گویی‌ها، بدیهی‌گویی‌ها و عدم استناد به منابع معتبر نظری دیده می‌شود. امّا با جستجو در سایت‌های معتبر و نشریات علمی، مقاله‌ای به نقد کتاب «الفن القصصی فی النثر العربی حتی مطلع القرن الخامس الهجری» اثر دکتر رکان الصفدی پرداخته باشد، رؤیت نشد.

۲. بررسی انتقادی کتاب

در این بخش سعی شده است با استفاده از شاخصه‌های علمیِ مورد قبول شورای بررسی متون و نیز مؤلفه‌هایی که قبلاً در مقاله‌ها سایر پژوهشگران مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفته است، کتاب حاضر نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

۲-۱. بُعد شکلی و ساختاری

در این بخش سعی شده است به اموری پرداخته شود که با شکل و ساختار اثر در ارتباط است.



۲-۱-۱. عنوان و جلد کتاب

«انتخاب موضوع تحقیق و تنظیم عنوان، اولین و مهم‌ترین گام در پژوهش و یکی از نشانه‌های تسلط و مهارت نویسنده نسبت به موضوع است» (باوان‌پوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۷). همچنین جلد کتاب «مانند نمای بیرونی یک ساختمان است و نخستین برخورد خواننده با کتاب، دیدن جلد آن است. طراحی جلد کتاب، شامل طرح روی جلد، پشت جلد و عطف کتاب است» (رضی، ۱۳۸۸: ۲۸). عنوان این کتاب به‌درستی و با دقت فراوان انتخاب شده و در کنار موجز بودن، دقیقاً به موضوع مورد بحث اشاره کرده

است؛ نویسنده عنوان کلّی را با قلم قرمز و اندازهٔ درشت‌تر نوشته و عنوان فرعی را با اندازهٔ ریزتر و رنگ سیاه در زیر عنوان اصلی نگاشته است.

جلد کتاب حاضر به‌نظر از نوع ابر و باد است که آمیخته‌ای از رنگ‌های مختلف است؛ قسمت اعظم جلد به رنگ زرد اختصاص یافته است؛ رنگ زرد در جلب توجه نقشی بارز دارد و به شکل عام دال بر عقل و هوش بالاست (خلیفه، ۱۹۸۷: ۳۳). همچنین طبق نظر لوشر، این رنگ دال بر پیشرفت و نوگرایی است (لوشر، ۱۳۷۰: ۸۸) و کسانی که به این رنگ علاقه دارند، دوستدار پیشرفت و ابداع هستند و آنها در بسیاری از اوقات، اهل دقت و علم هستند و به اصولی که دارند، پایبند هستند (کارکیا، ۱۳۷۵: ۶۹). شاید این عوامل در انتخاب رنگ زرد از جانب الصفدی نقش داشته‌اند.

در کنار این رنگ، رنگ سیاه در گوشهٔ بالای کتاب، سمت راست شاید نشانگر زمان قدیم باشد که در هاله‌ای از ابهام قرار دارد چرا که یکی از دلایل انتخاب این رنگ، میل به کتمان امر است (ر. ک المحلاوی، لاتا: ۵۳ به نقل از متقی‌زاده و احمدی، ۱۴۳۵: ۱۳۵) در کنار آن از رنگ قهوه‌ای نیز در جلد استفاده شده که این رنگ می‌تواند دال بر مواردی مانند: انعطاف‌پذیری، درونگرایی، اعتماد به نفس، آرامش، تسلط، غریزه، تعالی، بی‌اعتمادی، دشمنی و ابداع باشد (المؤمنی و بدارنه، ۲۰۰۹: ۶۱) و نیز شاید به نوعی بیانگر ابهام است. تصویر مندرج روی جلد، یک کتاب پوستی قدیم را نشان می‌دهد که با استفاده از قلم و مرکبی که در کنار آن قرار گرفته، سطرهایی مبهم نگاشته شده است. همچنین در گوشهٔ بالا سمت راست، اسم ناشر و در گوشهٔ پایین سمت راست، عنوان «دراسات فی الأدب العربی ۸» با رنگ سیاه و سبز و زرد نوشته شده که شاید نشان می‌دهد این هشتمین کتاب از مجموعه پژوهش‌های انتشارات مذکور است که در زمینهٔ ادبیات عربی نگاشته شده است. در گوشهٔ پایین سمت چپ نیز نام نویسنده با رنگ سفید نگاشته شده است. پشت جلد نیز تنها در گوشهٔ سمت چپ، یک کادر مستطیلی نازک با رنگ زرد و سیاه وجود دارد. در پایین صفحه نیز آرم وزارت فرهنگ و انتشارات وجود دارد. همچنین به نشانی اینترنتی انتشارات، سال چاپ و قیمت نیز اشاره شده است. انتظار می‌رفت مطابق رسم معمول، نویسنده یا انتشارات، ضمن معرفی این اثر به زبانی غیر از زبان عربی (معمولاً انگلیسی)، متنی از کتاب یا از منبع دیگر را انتخاب کرده و در پشت جلد چاپ می‌کردند.

۲-۱-۲. شخصیت علمی نویسنده

«توضیح دربارهٔ شخصیت علمی نویسنده (گان)، تحصیلات، تخصص، علایق، آثار علمی درخور توجه و زمینهٔ فعالیت علمی در عرصهٔ نگارش حرفه‌ای، از عناصر اصلی در نقد منابع اطلاعاتی است. یکی از عوامل مهمی که می‌توان با تکیه بر آن به نقد اثر نگارشی پرداخت، شخصیت و توان علمی نگارندهٔ اثر است» (درودی، ۱۳۸۷: ۱۷). دکتر رکان توفیق الصفدی، متولد ۱۹۶۲م روستای الغاریهٔ در استان سویداء سوریه است. وی در سال ۲۰۰۷ م موفق به اخذ مدرک دکترا در ادبیات عباسی شده است. تاکنون در برخی از مسابقات شعر، موفق به کسب جایزهٔ نخست شده است مانند: مسابقه دکتر سعاد الصباح در کویت در سال ۱۹۸۸ میلادی و مسابقهٔ المزرعهٔ در سوریه در سال ۲۰۰۰ میلادی. از آثار چاپ‌شدهٔ وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کتاب «الفن القصصی فی النثر العربی حتی مطلع القرن الخامس الهجری»، کتاب «ابن‌الرومی الشاعر المجدد» و کتاب «أعلام جبل حوران فی العصور الإسلامیهٔ». همچنین از وی پنج مجموعهٔ شعری چاپ شده است مانند: ذات وطن (شعر)، النافذهٔ (شعر کودکان)، أحلام أنمار (شعر کودکان) (ر. ک سایت التبراهٔ، ۱۴۴۳ هـ‌ق؛ سایت ویکی‌پدیا: ۱۴۴۳ هـ ق)[۱].

کسب مدرک دکتری در حوزۀ ادبیات عباسی، نشانگر اطلاعات کافی و وافی نویسنده برای تحقیق در این زمینه می‌باشد. نویسنده با دقت فراوان و تلاشی گسترده، توانسته است اثری شایان توجه را در این زمینه تألیف کند که می‌تواند منبعی مناسب برای جویندگان دانش در زمینۀ نثر تا آغاز قرن پنجم هجری باشد.

۲-۱-۳. شناسنامۀ کتاب و معرفی کلّی آن

روش معرفی کتاب برگرفته از مقاله سجاد اسماعیلی (۱۳۹۶) با عنوان «نگاهی نقادانه به کتاب تعلیم اللغۀ العربیۀ لغیر الناطقین بها؛ النظریۀ و التطبیق ازمنظر تحلیل محتوا» است. شناسنامۀ کتاب به صورت واضح در صفحات ابتدایی و پشت جلد نوشته شده است:

مؤلف	آرم	انتشارات	نوبت چاپ	تیراژ	قیمت	محل نشر	سال چاپ
ركان الصفدی	وزارة الثقافة	الهيئة العامّة السّوريّة للكتاب	اول	۱۰۰۰ نسخه	۲۷۰ لیر سوری یا معادل آن	دمشق	۲۰۱۱ م

اثر حاضر در ۴۰۰ صفحه تدوین شده که در مجموع ۳۶۳ صفحه از آن دارای اطلاعات مفید است که در جدول زیر به تفکیک بیان شده است. لازم به ذکر است که در این جدول صفحات ابتدایی کتاب (۴ ص)، صفحات سفیدی که نویسنده در متن جای داده (۱۰ ص) و نیز صفحات شروع باب (۵ ص) لحاظ نشده است.

بخش	تعداد صفحات	مجموع
مقدمه	۱۰ ص	۱۰ ص
باب اول	فصل اول ۳۶ ص	۶۲ ص
	فصل دوم ۲۶ ص	
باب دوم	فصل اول ۳۳ ص	۹۰ ص
	فصل دوم ۵۷ ص	
باب سوم	فصل اول ۵۹ ص	۱۹۳ص
	فصل دوم ۴۳ ص	
	فصل سوم ۹۱ ص	
خاتمه	۸ ص	۸ ص
منابع	۱۰ ص	۱۰ ص
فهرست اصطلاحات	۸ ص	۸ صفحه

این کتاب شامل مقدمه، سه باب و خاتمه است. باب‌های اول و دوم دارای دو فصل و باب سوم دارای سه فصل است. نویسنده در فصل اول، فرهنگ ملّت‌ها را به دو نوع شفاهی و نوشتاری تقسیم کرده است و سعی دارد با تعریف قصه از نظر لغوی و اصطلاحی، ویژگی‌های شکلی و محتوایی قصه را تبیین کند تا بتواند به نوعی قصهٔ عربی دست یابد. وی سعی داشته نظریه‌های مهمی در این زمینه مانند نظریه میلمان پری و آلبرت لُرد و نیز والتر. ج. اونگ را قابل انطباق بر ادب شفاهی جاهلی بداند. الصفدی با گذری بر نظریهٔ انتحال و نیز دیدگاه شوقی ضیف به وجود آنچه به دست کاتبان رسیده شک داشته، امّا آن را نه تأیید و نه کتمان کرده است. سپس به اهمیت دربار حیره و شام در شکل‌گیری قصهٔ جاهلی پرداخته است. وی سپس به تطور قصه در زمان پیامبر (ص) و خلفای راشدین و تغییر هدف قصهٔ اسلامی، از دینی به سیاسی سخن گفته که نمود آن را در جنگ صفین دانسته است. در ادامه وی قصص دینی را به سه دستهٔ قرآنی، سیره نبوی و اسرائیلیات اشاره کرده و اشاره‌ای بسیار گذرا به برخی خصوصیات قصهٔ قرآنی داشته است. بیان ویژگی‌های شکلی و محتوایی قصهٔ شفاهی، پایان بخش این باب است.

در فصل دوم باب اول، وی به شروع عصر تدوین با نگارش قرآن اشاره کرده است. استمرار روایت شفاهی در عصر اموی و عباسی به دلایل مختلف سیاسی و اجتماعی و شکل‌گیری پدیدهٔ "السمر" و برخی افرادی که در این وادی از شهرت برخوردار بوده‌اند، از مباحث آغازین این فصل است. شکل‌گیری پدیدهٔ "الکدیهٔ" در عصر عباسی و تدوین سیرهٔ نبوی و مغازی و معرفی چندین اثر در این زمینه بخش دیگری از این فصل را به خود اختصاص داده است. اشاره به تدوین "الأمثال" و معرفی افراد مشهور در این باب، در کنار اشاره به قصص ترجمه‌شده در عصر اموی و عباسی و اشاره به برخی از آثار مهم مثل "کلیله و دمنه" بخش دیگری از این فصل است.

باب دوم؛ فصل اول: در این فصل نویسنده به عوامل تأثیرگذار خارجی مثل عوامل سیاسی، اجتماعی و فکری و تأثیر آنها در قصه به ویژه در عصر عباسی پرداخته است. همچنین الصفدی به برخی افکار حاکم بر این دوره مثل معتزله اشاراتی داشته است. وقوع انقلاب‌هایی مثل "ثورهٔ الزنج" و جنبش "القرامطهٔ" نیز از عوامل سیاسی تأثیرگذار در قصهٔ عباسی است. در این فصل نویسنده ضمن اشاره به رشد و شکوفایی پدیدهٔ السمر در عصر عباسی، به شکل‌گیری گونه‌های جدیدی از قصه مثل المجالس والمناظرات، اللهو والجواری الکدیهٔ و التطفیل و ... اشاره کرده و برای هریک مثال‌هایی ارائه کرده است.

باب دوم؛ فصل دوم: نویسنده در این فصل به بررسی انواع قصه در قرن‌های سوم و چهارم هجری (تا آغاز قرن پنجم) پرداخته است. وی به قصص دینی و تاریخی اشاره کرده و به معرفی برخی از آنها مثل "تاریخ طبری"، "عیون الأخبار" ابن قتیبه، "الأخبار الطوال" دینوری و .. پرداخته است. سپس گذری بر روند قصهٔ واقع‌گرایانه از زمان جاهلی تا عصر عباسی داشته است. معرفی برخی از شخصیت‌های تأثیرگذار در روند پیشرفت قصهٔ عباسی مانند جاحظ، ابن‌الدایه، ابوالفرج اصفهانی، قاضی تنوخی و ... در کنار اشاره به سبک نوشتاری آنها و ذکر مثال‌هایی از هر یک، بخش دیگری از این فصل است. در ادامه الصفدی به شکل‌گیری مقامه، وجه تسمیه آن، اهداف آن، معرفی بدیع‌الزمان همدانی و نقش او در این نوع قصه همراه با ذکر مثال‌هایی از مقامات، پرداخته است. اشاره به انواع دیگری از قصه مثل قصهٔ فلسفی و نقدی و ذکر نمونه‌هایی از هریک همراه با سرآمدان این نوع قصه‌ها، پایان‌بخش این فصل بوده است.

باب سوم؛ فصل اول: در این فصل نویسنده به انواع دیگری از قصه اشاره کرده است مانند "النادرهٔ"، "المثل" و ... . در کنار این موارد به خبر قصص و تاریخی اشاره کرده و مثال‌هایی از بلاذری، دینوری، طبری و یعقوبی ذکر کرده است. بررسی سبک نوشتاری جاحظ، ابن‌درید، بدیع‌الزمان، معری و ابن‌شهید از دیگر بخش‌های تشکیل‌دهندهٔ این فصل است.

باب سوم؛ فصل دوم: در این فصل نویسنده چندین نوع قصه جدید معرفی کرده که قبلاً کمتر از آنها نام برده شده است مانند: "القصة المشهدية" و"القصة الإطارية" و در کنار هر مورد، مثال‌هایی از نویسندگان بارز عصر عباسی ذکر کرده است.

باب سوم؛ فصل سوم: این فصل را در واقع باید، فصل تطبیقی کار الصفدی دانست زیرا سعی کرده که با استفاده از عناصر داستانی معاصر و نیز تکنیک‌های مختلف غربی، به تحلیل قصه‌های عصر عباسی بپردازد. وی پی از تعریف "السرد" (روایت)، به تقسیم انواع آن بر حسب راوی دست زده و برای هریک مثال‌هایی ذکر کرده است. وی در کنار اشاره به زبان روایی (لغةالسرد)، به رواج قصهٔ واقع‌گرایانه و ضعف قصهٔ فلسفی در عصر عباسی اشاره کرده است. سپس نویسنده به دو پدیدهٔ مهمِ این دوره، یعنی به‌کارگیری شعر و استفاده از سجع پرداخته است. پس از آن، الصفدی به عناصری مانند راوی، شخصیت، زمان، فضای داستانی و نیز مؤلف ضمنی و جایگاه زن در قصه عباسی اشاره کرده و برای هر مورد چند مثال ذکر کرده و به تحلیل آنها با تکیه بر تکنیک‌های نوین داستان پرداخته است.

خاتمه، مصادر و مراجع و نیز فهرست اصطلاحات داستانی و نقدی، بخش‌های پایانی کتاب هستند.

۲-۱-۴. پیشگفتار و مقدمه

شایسته است در متن یک کتاب «پیشگفتار بر محور مسائل جانبی اثر باشد؛ مثل نحوهٔ شرایط تهیهٔ اثر یا تجدید چاپ آن، تشکر از دست‌اندرکاران نشر و چاپ و یا به منظور تجدیدنظر قراردادن اثر» (بهرام‌بیگی، ۱۳۸۵: ۲۷). کتاب حاضر از این لحاظ متأسفانه دارای کاستی است و در آن، اشاره‌ای به موارد فوق نشده است. همچنین کتاب هیچ‌گونه تقدیم و تشکری ندارد.

بدون شک یکی از مهم‌ترین قسمت‌های هر پژوهش دانشگاهی، مقدمه است؛ مقدمه وظیفهٔ آماده‌سازی مخاطبین برای ورود به متن اصلی را بر عهده دارد (رحیمی خویگانی و خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۶۱). کتاب حاضر دارای مقدمه‌ای نسبتاً مفصل و طولانی است که در مورد پیشینهٔ وجود قصهٔ شفاهی در ادب عربی اشاره کرده است. سپس نویسنده از کم‌توجهی ناقدان عرب به ادبیات داستانی عرب انتقاد کرده، در مقابل تلاش‌های پژوهشگران غرب در این زمینه را ستوده است. وی اندلس را دروازهٔ ورود داستان به اروپا معرفی کرده است. همچنین وی جرجی زیدان را نخستین کسی دانسته که به هنر داستانی عرب توجه نموده است. پس از آن از رافعی و طه حسین نام برده که در این زمینه، تلاش‌های چشمگیری داشته‌اند. در ادامه هدف خویش را تبیین کرده و هنر داستانیِ عربی را نیازمند تحقیق و تفحص بیشتری دانسته است تا زوایای پنهان آن را آشکار سازد. در مجموع، می‌توان مقدمهٔ کتاب حاضر را یک مقدمهٔ علمی و موفق قلمداد کرد.

۲-۱-۵. صفحه‌آرایی، تایپ و ایرادهای نگارشی و املایی

کیفیت صفحه‌آرایی نیز یکی دیگر از ملاک‌های ارزیابی شکلی است زیرا «صفحه‌آرایی کتاب شبیه به طراحی ساختمان است. گرافیست با مشورت ویراستار و تأمل در فهرست مطالب کتاب و فصل‌بندی مشخص می‌کند که در آغاز هر فصل — که همچون اتاقی است– چه درگاه و دری بسازد تا خواننده با دیدن آن احساس کند که وارد فضای جدیدی شده است» (انوری و پشت‌دار، ۱۳۷۷: ۸۲). صفحه‌بندی کتاب حاضر، ساده و بدون کادر و سربرگ است. در هر صفحه از کتاب، ۲۷ سطر گنجانده شده است که متأسفانه ظاهر کتاب را دچار خدشه نموده و فاصله بین سطور بسیار اندک است. حاشیه‌های بسیار محدودی برای کتاب در نظر گرفته شده که امکان هرگونه یادداشت و نکته‌برداری را از پژوهشگر می‌گیرد و برای تبدیل شدن به یک کتاب درسی باید شرایط

نکته‌برداری توسط دانشجو در حاشیه‌های کتاب ایجاد گردد. البته در صفحاتی که شعر یا مثالی ذکر شده است، فاصله بین خطوط به نحوی تنظیم شده که خواندن شعر دچار مشکل نشود. در عناوین و نیز در شروع پاراگراف‌ها تورفتگی رعایت شده است.

«کیفیت حروف‌نگاری (تایپ) نیز از عوامل جذابیت کتاب است. برای مثال، استفاده از حروف متفاوت در متن (تفاوت نوع حروف، اندازهٔ حروف و رنگ حروف) جهت برجسته کردن برخی از نکات علاوه بر آن که دانشجو را به نکات اصلی متن جلب می‌کند، موجب چشم‌نوازی صفحات کتاب می‌شود» (رضی، ۱۳۸۸: ۲۸). تایپ کتاب حاضر به‌نظر با فونت simplified Arabic و با اندازهٔ ۱۴ صورت گرفته است. نویسنده اسامی خاص را داخل گیومه قرار داده است تا آن را از متن اصلی متمایز سازد. همچنین نویسنده برای برجسته کردن عناوین اصلی و فرعی و جدا ساختن آنها از متن اصلی، این عناوین را تیره (Bold) کرده است. در مجموع می‌توان گفت کتاب از جهت ویرایشی و نگارشی در حد معقولی قرار دارد هرچند که مانند مثل «لکلّ جوادٍ هفوةٌ» قطعاً هر اثری خطاهایی دارد که البته اشتباهات تایپی و ویرایشی در این کتاب، به فهم مطالب آسیبی نمی‌رساند. در زیر به برخی از این اشتباهات اشاره شده است: فهی العلم الذی یعنی بمظاهر الخطاب السردی ص ۱۰/ أمراً به جای أمراً ص ۱۸/ وإلا کان نبا عن سمت البیئة ص ۲۰/ نقصد بالقصص الواقعی السردیات النی تتناول ص ۳۷/ ومن أحادیث الرسول (ﷺ) ص ۴۲ و ۵۴/ تشمل القصة الواقعیة موضوعات الحیاة المنتوعة (ص ۱۲۱)/ فروی الشاب قصتیه، خیانة زوجه وخیانة زوج الملک، وحین رأی الملک بأم عینیه صحة کلام الشاب، قتل جواریه وزوجه (ص ۱۷۱)/ ومثل قصة التاجر البصری وزوجه القبیحة (ص ۳۱۸).

نداشتن روال یکسان در جمع مکسر: القصص الأسطوری (ص ۲۸)، القصص الشعبی (ص ۳۲)، القصص الخرافیة (ص ۳۲)، القصص المنسوبة (ص ۴۷). این امر در سراسر کتاب باید یکسان باشد و یا مذکر یا مؤنث در نظر گرفته شود.

در سراسر متن برخی کلمات وجود دارند که نیازمند تشدید هستند تا معنی کامل را برسانند امّا این امر رعایت نشده است مانند صفحات: (قد عده ص ۶۸)- (حدد ص ۷۳)- (قد عد ص ۸۹)- ۹۸- ۱۱۲-۱۲۶- ۱۲۷- ۲۰۹ و ..... در کنار این امر، شایسته است که یک پاراگراف در حدود ۴ تا ۱۰ سطر باشد تا سبب خستگی و ملال خواننده نشود، امّا این امر در چندین جای کتاب رعایت نشده است مانند: ص ۱۷۹- ۱۸۲- ۲۲۰- ۲۲۱- ۲۸۸ و ... .

۲-۱-۶. فهرست محتویات

یکی دیگر از شاخصه‌هایی که در نقد ساختاری مورد توجه قرار می‌گیرد، فهرست کتاب است؛ زیرا خواننده بی‌شک پس از مطالعهٔ این بخش، با مطالب کتاب بیش‌تر آشنا می‌شود. کتاب حاضر دارای فهرستی ۴ صفحه‌ای است که با چیدمانی خاص، اصلی و فرعی بودن تیترها را نشان می‌دهد امّا از دیگر سو شاید این بخش را بتوان یکی از ضعیف‌ترین بخش‌های ساختاری کتاب دانست؛ زیرا لازمهٔ یک نوشتار علمی این است که تمامی مطالبی که در متن تیتر قرار گرفته‌اند، در فهرست نشان داده شوند که متأسفانه این امر در فهرست این کتاب رعایت نشده است و تیترهای فراوانی به چشم می‌خورد که در متن وجود دارد ولی در فهرست اثری از آنها نیست مانند: ص ۱۲۳- ۱۲۶- ۱۲۹- ۱۳۱- ۱۳۴- ۱۳۷- ۱۳۹- ۱۴۰- ۱۴۱- ۱۴۲ و ..... . این امر لزوم بازنگری اساسی در فهرست‌نویسی کتاب را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

۲-۱-۷. زبان کتاب

«خوانایی عبارت است از هر آنچه خواندن متون آموزشی را آسان می‌سازد» (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۷). زبان علمی، زبانی است شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی که الفاظ در آن، معانی حقیقی دارند و ما را مستقیم و بدون آن‌که بر سر کلمات و تعبیرات درنگ کنیم به مدلول رهنمون می‌شود (سمیعی، ۱۳۷۸: ۴۴). با توجه به تخصص نویسنده در زمینهٔ ادبیات عربی، زبان کتاب حاضر بسیار مطلوب و قابل فهم است. کلمات دشوار به ندرت در آن دیده می‌شود و با توجه به این که اغلب مطالب کتاب از نویسندگان غربی ذکر شده است، امّا نثر کتاب به حدی روان است، که خواننده اصلاً چنین چیزی را حس نمی‌کند. پراکندگی در کلام نویسنده به چشم نمی‌خورد و وی سعی کرده است طبق یک چینش مرتّب و معقول و علمی، از کلّ به سمت جزء و فرع حرکت کند. در کنار این موارد، ایرادهایی هم در کتاب مشاهده می‌شود که بارزترین آن، عدم اشاره به اصطلاحات و اسامی خاص به صورت لاتین است؛ با وجود این که بخش اعظمی از کتاب به دیدگاه نویسندگان غربی اختصاص یافته و نیز اصطلاحات داستانی، مختص غربی‌ها است، امّا در تمامی صفحات از اشاره به اسامی لاتین غفلت شده که این امر بزرگترین نقص کتاب از لحاظ زبانی است مانند صفحات: ۶-۹- ۱۰- ۱۸- ۴۵- ۵۰- ۵۴- ۶۴ و ..... .

۲-۱-۸. استفاده از پاورقی و داشتن تصویر و شکل و نمایه

یکی از محاسن یک کتاب علمی خوب، استفاده از پاورقی یا پانوشت و پی‌نوشت جهت توضیح اصطلاحات یا اسامی‌ای است که در طول متن ذکر شده امّا فهم آن برای مخاطب، اندکی دشوار است. الصفدی در استفاده از پاورقی روند یکسانی نداشته است؛ وی گاهی در توضیح اصطلاحات از پاورقی استفاده کرده است مانند: الکسموبولیتیهٔ (ص ۹۶)، معرفی شخصیت ابن‌القریّه (ص ۲۴۲) ، امّا در مقابل در بسیاری از جاهایی که نیاز شدید به توضیح اصطلاح یا معرفی شخصیت مشاهده می‌شود متأسفانه اثری از توضیح نویسنده مشاهده نمی‌شود مانند: الدیمقراطیهٔ البدائیهٔ (ص ۱۲۲)، سرجون الآکادی و سمیرامیس الآشوریهٔ (ص ۲۰۸)، الأورکستراليّ (ص ۲۸۸) و ... . همچنین در صفحهٔ ۱۸ به نظریهٔ "میلمان پری" و "آلبرت لُرد" در زمینهٔ ادبیات شفاهی اشاره کرده که شایسته بود حداقل در پاورقی، اشاره‌ای به این نظریه داشته باشد. همچنین در ص ۱۱۱ برخی اصطلاحات هست که حتماً نیازمند توضیح است مثل: الحرافیش، الزعار و العیاق.

وجود تصویر، شکل، نمودار و نمایه‌های علمی و تخصصی از ویژگی‌های مثبت یک کتاب علمی و موفق است؛ در کتاب حاضر اثر چندانی از این ابزارهای علمی به چشم نمی‌خورد به استثنای چندین نمودار ساده در صفحات: ۲۱۳- ۲۱۹- ۲۳۰- ۲۳۳، شکل یا تصویر دیگری به چشم نمی‌خورد. ایراد این نمودارهای ساده نیز به این امر برمی‌گردد که نویسنده حروف اختصاریِ آنها را تبیین نکرده و از حروف ق و خ بهره برده است.

در انتهای کتاب، نویسنده لیستی از اصطلاحات هنری و نقدی کتاب تهیه کرده است که از نقاط قوّت کتاب محسوب می‌شود و بنابر گفتهٔ شخصی (ص ۳۸۹) برخی اصطلاحات را خود نویسنده پیشنهاد داده است: خروج من النص (ص ۳۹۱)، خلاصهٔ مضمرهٔ (ص ۳۹۱)، القصهٔ المسلسلهٔ والقصهٔ المشهدیهٔ (ص ۳۹۴)، قصهٔ مضمرهٔ (ص ۳۹۵)، مفتاح سردی (ص ۳۹۵)، امّا همین بخش دارای یک ایراد عمده نیز هست؛ با توجه به این که این اصطلاحات، علمی و معمولاً خارجی هستند انتظار می‌رفت در راستای یکسان‌سازی روند علمیِ این فهرست، معادل لاتین تمامی اصطلاحات نوشته می‌شد.

۲-۲. نقد محتوایی اثر

بررسی محتوای یک کتاب و ارزیابی آن از این منظر، علاوه بر این که سبب اطلاع‌رسانی از کتاب به مخاطبین می‌گردد، نقاط قوت و ضعف نویسنده را نیز آشکار می‌سازد.

۲-۲-۱. معرفی پیشینهٔ پژوهش

«از نقاط قوت هر کار پژوهشی داشتن پیشینهٔ پژوهش است به طوری که فقدان این مهم، یکی از عیوب هر اثر علمی است» (نامداری، ۱۳۹۶: ۲۲۷)؛ زیرا نویسنده با این کار ضمن احترام به نویسندگان پیشین و معرفی کار علمیِ آنها، تفاوت کار خویش با این آثار را مشخص می‌کند. متأسفانه علی‌رغم وجود آثار فراوانی که قبلاً در این زمینه نگاشته شده و نویسنده به درستی از آنها در بخش منابع خویش بهره برده است، الصفدی به روشنی به آنها اشاره نکرده و تنها به جملهٔ زیر اکتفا کرده است: «إن البحوث السابقهٔ کانت ذا فضل لاینکر فی التأریخ لظاهرهٔ القص عند العرب، ولانظن أننا سنضیف جدیدا فی هذا المجال» (الصفدی، ۲۰۱۱: ۱۱).

۲-۲-۲. تناسب اهداف نویسنده با محتوا و عنوان

هدفی که نویسنده در مورد بررسی ریشه‌های فن داستانی در میان اعراب از پیش از دوران جاهلی تا شروع قرن پنجم هجری در سرلوحهٔ کار خویش قرار داده است، کاملاً با عنوان و محتوای اثر همخوانی و تناسب دارد، هرچند با توجه به این که بیشتر حجم کتاب به دورهٔ عباسی اختصاص یافته است، می‌شد به نوعی آن را مختص به دورهٔ عباسی ساخت امّا تلاش نویسنده برای شناساندنِ ریشه‌های پیشین این قصهٔ شفاهی و سیر تکامل آن تا تبدیل شدن به مقامه و بررسی عناصر تشکیل‌دهندهٔ آن با دیدی عمیق و از منظر تکنیک‌های نوین داستانی، ستودنی و قابل تقدیر است.

۲-۲-۳. نظم منطقی و انسجام بین مطالب

«داشتن انسجام در مطالب از نظر جریان روشِ بررسیِ مشخص و اندیشهٔ مشخص در کل اثر از ویژگی‌های یک کتاب است» (رسولی، ۱۳۹۳: ۴۶). الصفدی با توانایی و اشراف کامل حرکت و سیر تکامل قصه از شفاهی بودن تا تکامل آن به شکل مقامه را شرح داده و تبیین کرده است. در این مسیر وی در بخش‌های مختلف پس از شرح لغوی و اصطلاحی انواع قصه، به معرفی مشهورترین افراد در آن زمینه و نیز معرفی آثار آنها در کنار شرح مثالی از آثارشان پرداخته است؛ در واقع می‌توان این اثر را نوعی تاریخ ادبیات نیز در نظر گرفت زیرا در کنار معرفی ادبیات، شرحی از اوضاع جامعه و تأثیر آن بر شکل‌گیری و تدوین و تکامل قصه را ارئه کرده است. فهرست کتاب که در انتهای آن آمده به خوبی مؤید انسجام بین مطالب است هرچند که نویسنده یا ناشر تمامی عناوین را در فهرست ذکر نکرده امّا این امر خللی به انسجام بین مطالب وارد نساخته است.

۲-۲-۴. عنوان‌های فرعی

یکی دیگر از محاسن یک کتاب علمی و موفق، داشتن عناوین فرعی در کنار عنوان اصلی است؛ زیرا عنوان فرعی به مخاطب کمک می‌کند تا درک درستی از مطالب داشته باشد. نویسنده، کتاب حاضر را به سه باب و هفت فصل تقسیم کرده که کاری ارزشمند است. در لابه‌لای متن نیز عناوین فرعی فراوانی به چشم می‌خورد که نویسنده با استفاده از برجسته (بولد) کردن آنها،

خواننده را از سردرگمی رها ساخته است.

۲-۲-۵. مسأله‌مندی

«دعوت به پژوهش، اندیشه و ایجاد انگیزۀ جستجوی بیش‌تر در خوانندگان، یکی از معیارهای ارزشمند هر کتاب علمی و شاخص یادگیری است» (جعفری هرندی و دیگران، ۱۳۸۷: ۴۸). الصفدی با انتخاب یک عنوان مناسب و بیان هدف پژوهش خویش، در واقع این سؤال را در ذهن مخاطب ایجاد کرده است که وی باید به انتظار چه نتیجه‌ای بنشیند. سبک خاصی که وی در این کتاب به کار برده است، طرح سؤال در لابه‌لای متن و تلاش برای پاسخگویی به آن است که نمونه‌های فراوانی از آن را در متن شاهدیم مانند: «فهل یعنی هذا أن القصاص بدؤوا یطلقون لمخیلتهم العنان، وما مدی تدخلاتهم ونوعها؟ لایمکننا الإجابۀ بدقۀ ولکننا نتوقع أن کثیراً من تألیفاتهم وإضافاتهم وجدت طریقها إلی الکتب اللاحقۀ، ولاسیما السیرۀ النبویۀ وقصص الأنبیاء» (الصفدی، ۲۰۱۱: ۴۱). همچنین این امر در صفحه‌های ۷۵– ۸۱– ۱۴۲– ۱۵۲– ۱۶۹– ۱۷۰– ۲۰۴– ۲۰۵– ۲۲۷– ۲۵۵ تکرار شده است.

۲-۲-۶. جایگاه کتاب در سرفصل درسی

در سرفصل درسی کارشناسی ارشد رشتۀ ادبیات عربی درسی با عنوان "تحلیل و نقد نثر دورۀ عبّاسی" به ارزش دو واحد گنجانده شده که هدف آن «آشنایی با رویکردها و جریان‌های مهم فکری – ادبی نثر در عصر عبّاسی و کسب مهارت در فهم و تحلیل انواع متون نثری این دوره» (برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته ادبیات عربی، ۱۳۹۵: ۲۵) عنوان شده که سرفصل‌های آن (همان: ۲۵) بیش از هشتاد درصد با اثر حاضر منطبق است و می‌توان این کتاب را به عنوان کتاب اصلی این درس معرفی کرد مشروط به این که شرح واژگان دشوار، به کتاب افزوده شود و اصلاحاتی در قسمت‌های کوچکی از کتاب صورت پذیرد.

۲-۲-۷. دقت در استناددهی علمی

در صورتی که توضیحات پانوشت نقل قول مستقیم و نقل قول آزاد یا خلاصه‌برداری از نوشته‌های دیگران است و توضیحات یادشده به بیان اندیشه ها یا اطلاعات یا داده‌های علمی اشخاص دیگری است، ارجاع به منبع علمی ضروری است (ملک‌ثابت، ۱۳۹۰: ۲۱۱ و ۲۱۲). «یکی از نکاتی که باعث غنای هر اثر پژوهشی است، بهره‌گیری از منابع دست اول و مشهور مربوط به موضوع است» (طالبی قره‌قشلاقی و بابازاده اقدم، ۱۳۹۸: ۲۸۲).

ارجاع‌دهی کتاب حاضر از نوع پاورقی با شماره‌گذاری مجزا در هر فصل است؛ بدین صورت که اگر ارجاع به متن باشد در پاورقی: شهرت (نام)، نام اثر، جلد، ترجمه یا تحقیق، شماره چاپ، ناشر، محل نشر: سال، صفحه ذکر شده و اگر در متن به اسم نویسنده اشاره شده است، در پاورقی دیگر شهرت و اسم وی ذکر نشده است. همچنین اگر در پاورقی منبعی به صورت متوالی ذکر شده، از ذکر کامل مشخصات خودداری شده و از المرجع السابق استفاده شده است.

امّا پس از بررسی تنها ۳۵ صفحه (۵– ۴۰) از کتاب، ایرادهای فراوانی در ارجاعات مشاهده شد که لزوم بازنگری اساسی این بخش را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد؛ در ارجاعات شیوۀ یکسانی رعایت نشده است مثلاً: المرجع السابق (ص ۶)، مرجع سابق (ص ۱۰)، نفسه (ص۱۸ و ۱۹)، المصدر نفسه (ص ۲۲). ارجاع ص ۵ النجار با ص ۶ در اسم اثر متفاوت است. ص ۱۰ إبراهیم، مرجع سابق

نوشته در حالی که قبلاً مشخصات آن ذکر نشده است. ص ۱۷ المثل السائر فقط اسم کتاب است و صفحه و سایر مشخصات ذکر نشده است. این امر در مورد الطبری (ص ۲۱) و المفضلیات (ص ۲۲) و فجر الإسلام (ص ۲۷) و ... نیز صادق است.

۲-۲-۸. روزآمدی اطلاعات و منابع مورد استفاده در کتاب

برخی صاحب‌نظران، منابع مورد استفاده را به منابع اولیه و اساسی و منابع ثانویه و جانبی تقسیم کرده‌اند و گروه اول را مصادر و گروه دوم را مراجع نامیده‌اند (ضیف، ۱۹۷۲: ۲۳۷). نویسنده نیز گویی این امر را درک کرده و منابع را به دو بخش مصادر و مراجع تفکیک کرده است که در جدول زیر به این امر اشاره شده است:

مصادر	مراجع	کتاب عربی	دیوان شعر	کتب ترجمه شده
۷۹	۸۴	۱۴۳	۸	۱۲

بررسی‌ها نشان می‌دهد تمامی منابع به صورت مستقیم با مبحث موردنظر در ارتباط هستند. امّا نقطه ضعف این بخش در عدم استفاده از رساله، پایان‌نامه و مقالات به عنوان جدیدترین منابع علمی است.

۲-۲-۹. نوآوری اثر یا تکرار مطالب پیشین

تاکنون کتاب‌های فراوانی در زمینهٔ نثر جاهلی تا عباسی و نیز در مورد قصه عربی به رشتهٔ تحریر درآمده است مانند: الفن ومذاهبه فی النثر العربی از شوقی ضیف، تطور الأسالیب النثریهٔ فی الأدب العربی از أنیس المقدسی، الأدب القصصی عند العرب: دراسهٔ نقدیهٔ از موسی سلیمان، النثر الفنی فی القرن الرابع الهجری از زکی مبارک، فنون الأدب العربی (فن المقامهٔ) از شوقی ضیف، أعلام النثر الفنی فی العصر العباسی از عمر الدقاق، النثر العربی القدیم (بحث فی البنیهٔ السردیهٔ للموروث العربی الحکائی) از عبدالله إبراهیم و ..... که نویسنده از چهار مورد این کتاب‌ها استفاده کرده است امّا نوآوری اثر حاضر در بررسی سیر تطور قصه از شفاهی تا نوشتاری شدن و نیز بیان دسته‌بندی‌های جدیدی از قصه است مانند باب سومِ فصل دوم (ص ۲۳۵– ۲۷۷).

۲-۲-۱۰. سازگاری با فرهنگ اسلامی

طبیعتاً چون نویسندهٔ اثر مورد بررسی، مسلمان بوده و نیز انتشار این کتاب در سرزمینی مسلمان (سوریه) صورت گرفته و آرم وزارت فرهنگ کشور سوریه نیز در این کتاب به چشم می‌خورد، طبق انتظار در متن، کلمه یا جمله‌ای که با فرهنگ اسلامی ناسازگار باشد به چشم نمی‌خورد. هرچند که قصص قرآنی بخش عظیمی از حافظهٔ داستانی عرب را به خود اختصاص داده و انتظار می‌رود چنین کتابی به این قصه‌ها توجه بیشتری داشته باشد امّا تنها در صفحاتی اندک (۴۳– ۴۶) به این مورد پرداخته شده است و انتظار می‌رود با توجه به تأثیر مستقیم قصص قرآنی در ارتقای سطح داستان در میان اعراب، صفحات بیشتری به این امر اختصاص یابد. این امر می‌تواند در انتخاب این کتاب، به عنوان یک کتاب درسی یا کمک آموزشی نقشی اساسی داشته باشد.

۲-۲-۱۱. رعایت بی‌طرفی در اظهارنظر

«بایسته است که هر اثر پژوهشی از آفت و آسیب غرض‌ورزی به دور باشد و به طبع زمانی که نویسنده دست به تحلیل می‌برد، نظرات خود را ارائه خواهد کرد؛ هرچند تفکیک این دو مقوله آسان به نظر می‌رسد ولی گاهی امر مشتبه می‌شود» (عطائی، ۱۳۹۷: ۱۸۴). در این مورد باید اذعان کرد که نویسنده در موارد فراوانی که به متن دیگران استناد کرده و آراء مختلف را بیان کرده، امّا کاملاً بی‌طرفی علمی را رعایت نموده است و نظرات وی با نظرات دیگران تناقض آشکاری ندارد هرچند به زعم نگارنده این پژوهش، سه مورد ادعای جانب‌گرایانه و ادعایی در متن کتاب مشاهده شد که قضاوت در مورد آن به افراد صاحب‌نظر ارجاع داده می‌شود؛ اولاً نویسنده ادعا کرده است هیچ ملّتی به اندازۀ قوم عرب به میراث علمی و ادبی خویش توجه نداشته است که صحت و سقم این امر را باید به افراد عالم در این زمینه سپرد «علی‌الرغم من عوادی الزمن التی نالت من تراثنا الأدبی وأعملت فیه معاولها، إذ لم تنکب أمۀ کما نکب العرب فی تراثهم الأدبی والعلمی» (الصفدی، ۲۰۱۱: ۵)، ثانیاً این امر را در راستای توجه فراوانِ قوم عرب به میراث شفاهی در قیاس با سایر ملّت‌ها مطرح ساخته است: «ولعل العرب کانوا أکثر الأمم معاورۀ لفعالیات الثقافۀ الشفویۀ، لما تطلبه الدین الإسلامی من حفظ للقرآن الکریم وروایۀ وجمع للحدیث النبوی» (همان: ۱۷)، ثالثاً ادعا کرده است که سیره ابن اسحاق بارزترین متن در تعبیر از میراث شفاهی عرب است که این امر نیز نیازمند تحقیق علمی و دقیق است: «وکما قلنا فإن سیرۀ ابن إسحق هی نص أکثر تعبیراً عن الشفویۀ فی تراثنا العربی فی صورته النهائیۀ» (همان: ۵۸).

۲-۲-۱۲. پاسخ‌گویی اثر به نیازهای علمی

کتاب حاضر به‌خوبی می‌تواند به نیازهای علمیِ جویندگان دانش در حوزۀ قصۀ عربی و انواع آن پاسخ دهد. نویسنده با تعمق فراوان در ریشه و اساس شکل‌گیری قصه و انواع آن در ادوار مختلف ادبیات عربی و نیز معرفی سردمدارانِ ادب داستانی در هر دوره، در کنار آوردن مثال‌هایی فراوان و متنوع از هریک، به‌خوبی توانسته است مسأله را برای خواننده روشن و شفاف سازد. از دیگر سو تطبیق عناصر جدیدِ داستانی بر قصۀ قدیم عربی به‌خوبی تفاوت‌های این نوعِ داستانی را با اشکال جدیدی مثل رمان و داستانک و داستان مینی‌مال مشخص می‌سازد.

۲-۲-۱۳. توانمندی تحلیل علمی نویسنده

در کنار آوردن استناد و استفاده از آرای نویسندگان دیگر در یک متن علمی، نیاز است که نویسنده با استفاده از ذوق و نیز علم خویش، به تحلیل علمیِ مطالب بپردازد. در کتابِ مورد بررسی، نویسنده در کنار استفاده از آراء دیگران که نمود آن در این اثر، بارز است (ص ۳۴– ۴۰– ۴۱– ۴۲– ۷۱– ۱۰۱– ۱۱۵– ۱۳۰– ۱۴۰– ۱۵۸– ۱۶۱– ۱۷۰ و ...)، نتیجۀ علمی و تقریباً دقیقی از نظرات دیگران ارائه داده است که نمونه‌های فراوانی از آن را در خلال کتاب مشاهده می‌کنیم مانند صفحات: ۲۸– ۳۶– ۴۲– ۴۶– ۴۸– ۶۲– ۷۵– ۱۱۳ و .... . همچنین یکی دیگر از ویژگی‌های خاص نویسنده، پرهیز از اظهارنظر قطعی در مورد چیزی است و از کلماتی مانند لعل، ربما، من الممکن و .... استفاده می‌کند مانند صفحات: ۲۱– ۲۲– ۲۵– ۳۱– ۳۳– ۴۷– ۵۷– ۸۲ و .....

۲-۲-۱۴. نتیجه‌گیریِ علمی

«از بخش‌های مهم پژوهش‌های علمی، نتیجه‌گیری است. پژوهشگر در قسمت نتیجه‌گیری، مهم‌ترین دستاوردهای به‌دست‌آمده از پژوهش را می‌آورد و نتیجه گزینه‌های مطرح‌شده در سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق را ذکر می‌کند؛ همچنین ممکن است با اتکاء بر آن چه در روند تحقیق به آن دست یافته، اقدام به رد برخی آراء و مسائل موجود کند یا مخاطب را دربارهٔ صحت و سقم آن به تردید اندازد یا این که خود نظریهٔ بومی یا تقسیم‌بندی‌های جدیدی ارائه دهد» (سیفی و حسن‌پور، ۱۳۹۷: ۹۹). نویسنده در بخش‌های ابتدایی کتاب، سؤالی طرح نکرده است، که در پایان به آن پاسخ دهد. هرچند در طول متن سؤالاتی از جانب نویسنده مطرح شده، امّا وی در همان قسمت به آن پاسخ داده است. بخش الخاتمهٔ (ص ۳۷۱– ۳۷۸) را می‌توان در زمرهٔ بخش نتایج این پژوهش دانست زیرا نویسنده ضمن بیان مبسوطِ کارهایی که در طول متن انجام داده، به صورتی کاملاً علمی و آکادمیک به جمع‌بندی تمامی مطالبی پرداخته که در طول کتاب در مورد آنها سخن گفته است.

نتایج

پس از ارزیابی ظاهری و محتوایی اثر می‌توان اذعان کرد که نقاط قوّت کتاب به شکل چشمگیری بر نقاط ضعف آن غالب است و این امر، کتاب را تبدیل به یک اثر قابل اتکا نموده است. در بعد ظاهری می‌توان موارد زیر را جزو نقاط قوّت اثر برشمرد:

- عنوان کتاب به‌خوبی بیانگر محتوای آن است.
- مقدمهٔ کتاب، زیبا و علمی بوده و اطلاعات کاملی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.
- نویسنده در همان بخش مقدمه، به روشنی اهداف پژوهش خویش را تبیین کرده و چارچوب بحث را مشخص ساخته است.
- نوشتار کتاب با قلم عربی صورت گرفته و به جز چند ایراد جزئی، بدون نقص است.
- زبان کتاب سلیس و روان است و نویسنده از نظریات غربی در کتاب استفاده کرده است. جملات نیز ساده و قابل فهم هستند.

در مقابل می‌توان نقاط ضعف را به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

- شایسته است نویسنده، متنی مناسب از اثر برای پشت جلد انتخاب می‌کرد و نیز عنوان انگلیسی اثر را نیز در پشت جلد ذکر می‌نمود.
- کتاب حاضر از پیشگفتار و تقدیم خالی است.
- صفحه‌آرایی یکی از بارزترین نقاط ضعف است؛ در هر صفحه ۲۷ سطر وجود دارد که اندکی زیاد به نظر می‌رسد. نیز حاشیه‌ها بسیار اندک است. همچنین سرصفحه نیز وجود ندارد.
- فهرست کتاب نیز یکی از نقاط ضعف بارز آن است؛ بسیاری از مطالبی که به صورت برجسته در متن مطرح شده است، متأسفانه در فهرست مطالب دیده نمی‌شود.
- شایسته است نویسنده در مورد اسامی خاص و اصطلاحاتی که در متن به آنها اشاره کرده است، در قسمت پاورقی به آن اشاره شود. متأسفانه در کتاب حاضر هیچ اشاره‌ای به اسم‌های خاص لاتین نشده است. همچنین جز چند مورد محدود که در پاورقی به توضیح و معرفی اصطلاحات و افراد پرداخته شده، بسیاری از این اصطلاحات و افراد مسکوت رها شده است.

- کتاب حاضر علی‌رغم این‌که دارای دسته‌بندی‌های متعدد است که نویسنده می‌توانست آنها را در قالب جدول یا نمودار مطرح کند تا درک آن برای خواننده آسان‌تر شود، امّا وی از این مهم نیز چشم‌پوشی کرده است و تنها چند نمودار ساده ترسیم شده است که در آنها نیز حروف اختصاریِ انتخاب‌شده، بدون توضیح رها شده است.

امّا در بعد محتوایی، بدون اغراق می‌توان این کتاب را یکی از آثار معتبر و علمی در این زمینه معرفی کرد. نقاط قوّت کتاب حاضر را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

- اهداف نویسنده کاملاً با عنوان و محتوا هماهنگ است.
- کتاب از یک نظم منطقی خاص و مطلوب سود می‌برد و انسجام بین مطالب در سطح بالایی قرار دارد و نویسنده یک سیر تاریخی را به‌خوبی طی کرده است.
- در طول متن عناوین فرعیِ فراوانی به چشم می‌خورد که خواننده را در درک بهتر مطالب یاری می‌رساند.
- کتاب حاضر دربرگیرندۀ تمامی مطالبی است که در سرفصل "تحلیل و نقد نثر دورۀ عبّاسی" مطرح شده و شایستگیِ انتخاب به عنوان کتاب درسی را داراست.
- مسئله‌مندی و طرح سؤالات در لابه‌لای کتاب و پاسخ به آنها از جانب نویسنده، نیز یکی از نقاط قوّت در کتاب است.
- کتاب کاملاً با فرهنگ اسلامی سازگار است و در آن جمله یا حتی کلمه‌ای که با فرهنگ اسلامی ناسازگار باشد، به چشم نمی‌خورد. همچنین بخشی از کتاب به قصص دینی و قرآنی اختصاص یافته که با فرهنگ اسلامی منطبق است. این امر انتخاب این کتاب به عنوان یک کتاب آموزشی را افزایش می‌دهد.
- نویسنده جز در چند مورد جزئی، بی‌طرفی علمی را رعایت کرده است و در اظهارنظرهای شخصی نیز با عدم قطعیت سخن گفته که نشان از تواضع علمی وی است.
- یکی از نقاط بارز کتاب، قدرت تحلیل علمی نویسنده است که در سطح بالایی قرار دارد؛ در هر بخش بعد از آوردن نظرات مختلف از نویسندگان غربی و عربی، نویسنده نیز در خلال یک پاراگراف یا اندکی بیشتر نظر شخصی خویش را بیان کرده است.
- در بخش الخاتمه نیز نویسنده یک جمع‌بندی کلّی از تمامی مطالب مطرح‌شده در کتاب را به خواننده ارائه کرده است.

امّا شاید نقاط ضعف محتوایی کتاب را می‌توان به نداشتن پیشینۀ علمی کتاب و نیز چند مورد ادعای جانب‌گرایانه محدود ساخت. اثر حاضر توانایی تبدیل شدن به یک کتاب درسی یا کمک آموزشی در زمینۀ ادبیات داستانی یا متون عباسی یا تاریخ عباسی را داراست زیرا از لحاظ سرفصل انطباق خاصی با سرفصل‌های مطرح‌شده داراست امّا باید مواردی مانند خلاصه فصل، تمرین و آزمون متناسب و نیز فهرست اعلام، آیات و اشعار به آن افزوده شود.

پی‌نوشت

متأسفانه با وجود جستجوی فراوان در سایت‌های مختلف، اطلاعات چندانی از زندگینامۀ نویسنده در دسترس نبود.

منابع

۱) انوری، حسن و علی‌محمد، پشت‌دار. (۱۳۷۷). **آیین نگارش و ویرایش (۲).** تهران: دانشگاه پیام نور.

۲) باوان‌پوری، مسعود، فاروق نعمتی، نرگس لرستانی و حدیثه متولی. (۱۳۹۶). «بررسی و نقد مقالات پژوهشی: مطالعه موردی: چهار مقاله با موضوع اسطوره». *مطالعات انتقادی ادبیات*. دوره ۲. ش ۶. صص ۱۱۵– ۱۲۵.

۳) بهرام‌بیگی، مهری. (۱۳۸۵). «درآمدی بر نقد». *سخن سمت*. سال ۱۲. ش ۱۷. صص ۲۱–۳۲.

۴) جعفری هرندی، رضا، احمدرضا نصر و ابراهیم میرشاه جعفری. (۱۳۸۷). «تحلیل محتوا، روشی پرکاربرد در مطالعه علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی با تأکید بر تحلیل محتوای کتاب‌های درسی». *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*. سال ۱۴. ش ۵۵. صص۳۳–۵۸.

۵) حرّی، عباس. (۱۳۸۰). **آیین نگارش علمی**. تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور.

۶) خلیفۀ، عبدالکریم. (۱۹۸۷). «الألوان فی معجم العربیۀ». *مجمع اللغۀ العربیۀ الأردنی*. شماره ۳۷. صص ۹– ۴۴.

۷) خلیل، محمود إبراهیم. (۲۰۱۰). **النقد الأدبی من المحاکاۀ إلی التفکیک.** أردن: دارالمسیرۀ.

۸) درودی، فریبرز. (۱۳۸۷). «عوامل مؤثر در نقد و بررسی کتاب». *فصلنامه کتاب*. شماره ۷۵. صص ۱۷۳– ۱۸۴.

۹) رجبی، فرهاد. (۱۳۹۳). «نگاهی پژوهشی به نصوص حیۀ من الأدب العربی المعاصر». *پژوهش‌نامۀ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. سال ۱۴. ش ۴. صص ۱۵– ۳۱.

۱۰) رحیمی خویگانی، محمد و محمد خاقانی اصفهانی. (۱۳۹۷). «تحلیل انتقادی کتاب فلسفۀ البلاغۀ بین التقنیۀ والتطور». *پژوهش‌نامۀ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. دوره۱۸. ش۴. صص ۵۹– ۷۳.

۱۱) رسولی، حجت. (۱۳۹۳). «نقد و بررسی الأدب المقارن، دراسات تطبیقیۀ فی الأدبین العربی والفارسی». *پژوهش‌نامۀ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. سال ۱۴. ش ۴. صص۳۳–۴۸.

۱۲) رضی، احمد. (۱۳۸۸). «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی». *سخن سمت*. ش ۲۱. صص ۲۱– ۳۰.

۱۳) سمیعی، احمد. (۱۳۷۸). **نگارش و ویرایش**. تهران: سمت.

۱۴) سیاوشی، صابره. (۱۳۹۱). «بررسی و نقد ترجمۀ کتاب تاریخ ادبیات عربی». *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی*. سال ۱۲. ش ۲. صص ۵۷– ۶۸.

۱۵) سیفی، محسن و مهوش حسن‌پور. (۱۳۹۷). «نقدی بر کتاب مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی الأول». *پژوهش‌نامۀ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. دوره۱۸. ش ۴. صص ۹۵– ۱۰۹.

۱۶) الصفدی، رکان. (۲۰۱۱). **الفن القصصی فی النثر العربی حتی مطلع القرن الخامس الهجری**. دمشق: الهیئۀ العامّۀ السّوریّۀ للکتاب.

١٧) ضيف، شوقی. (١٩٧٢). «البحث الأدبی: طبيعته، مناهجه، أصوله». *مصادره*. القاهرة: دارالمعارف.

١٨) طالبی قره‌قشلاقی، جمال و عسکر بابازاده اقدم. (١٣٩٨). «نگاه انتقادی به کتاب انواع شعر عربی و سیر تطور آن». *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. سال ١٩. ش ٨. صص ٢۶٩- ٢٨٧.

١٩) عطائی، یحیی. (١٣٩٧). «ارزیابی و نقد کتاب علوم البلاغة عند العرب والفرس». *پژوهش‌نامهٔ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. دوره١٨. ش ۴. صص ١٧١- ١٨٩.

٢٠) فردانش، هاشم. (١٣٨٢). **مبانی نظری تکنولوژی آموزشی**. تهران: سمت.

٢١) کارکیا، فرزانه. (١٣٧۵). **رنگ، نوآوری، بهره‌وری**. تهران: دانشگاه تهران.

٢٢) لوشر، ماکس. (١٣٧٠). **روانشناسی رنگ‌ها، ترجمه لیلا مهردادپی**. تهران: پیام.

٢٣) متقی‌زاده، عیسی و خاطرة، أحمدی. (١۴٣۵). «دلالة الألوان فی شعر المتنبی». *إضاءات نقدیة فی الأدبین العربی و الفارسی*. دوره۴. ش ١۵. صص ١٣١- ١۵٠

٢۴) معروفی، یحیی و محمدرضا، یوسف‌زاده. (١٣٨٨). **تحلیل محتوا در علوم انسانی**. همدان: سپهر دانش.

٢۵) المؤمنی، مأمون وحازم بدارنة. (٢٠٠٩). «دلالات سیکولوجیة الألوان لدی عینة من أولیاء أمور طلبة المدرسة النموذجیة فی جامعة الیرموک»، *المجلة الأردنیة للفنون*. دوره٢. ش ١. صص ۴٩- ۶٩.

٢۶) ملک‌ثابت، مهدی. (١٣٩٠). **به‌نویسی (راهنمای درست‌نویسی و ویرایش متن)**. یزد: دانشگاه یزد.

٢٧) نامداری، ابراهیم. (١٣٩۶). «بررسی و نقد کتاب فی الأدب الأندلسی»، *پژوهش‌نامهٔ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. دوره١٧. ش ١. صص ٢٢۵-٢۴١.

منابع الکترونیکی

١. سایت التبراة، آخرین بازدید (١۴۴٣/٠٣/٠٨ هـ‌ق)، https://altibrah.ae/illustrator/١٥٤٦٨

٢. سایت ویکی‌پدیا، آخرین بازدید ١۴۴٣/٠٣/٠٨ هـ ق،
https://ar.wikipedia.org/wiki/%D٨٪B٩٪٨۴٪D٧٪A٨٪_%D٩٪٨۶D٧٪A٨٪D٩٪٨٣٪D١٪B٨٪D
٩٪A٩٪٨AF%D٨٪D٩٪٨١٪D۵٪

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الثالثة، العدد ٩، ربيع ١٤٠٢

صص: ٢٠-١

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٣,٤٢٥٨٢٣,١٠٣٧

تحليل نقدي لكتاب "الفن القصصي في النثر العربي حتى مطلع القرن الخامس الهجري" لركان الصفدي

مسعود باوان نوري [١]

عبدالأحد غيبي [٢]

(تاريخ القبول: ١٤٠٢/٠٩/٠٨ , تاريخ الوصول: ١٤٠٢/٠٨/٢٧)

الملخص

يحتل نقد المصنفات المكتوبة في مختلف المجالات العلمية اليوم مكانة عالية في مجال النقد الأدبي والأكاديمي ويمكن أن يكون مرشدا لمسؤولي وزارة العلوم وأيضا أهل العلم في مجال اختيار الكتاب المناسب للتعليم. كتاب "الفن القصصي في النثر العربي حتى مطلع القرن الخامس الهجري" لركان الصفدي من الكتب التي كتبت في مجال الرواية العربية القديمة. المقال الحالي هو خطوة في اتجاه دراسة نقاط القوة والضعف في هذا العمل وإبلاغ القارئ بالمعلومات الواردة فيه. قام المؤلفون بدراسة هذا العمل نقديا باستخدام المنهج الوصفي التحليلي والمعايير المثبتة علميا وتوصلوا إلى النتائج التالية: حقيقة الأمر هي أن نقاط القوة في الكتاب الحالي مسيطرة أكثر بكثير من نقاط ضعفه لدرجة أنه من خلال القضاء على العديد من المشاكل التي غالبا ما تكون في مظهر الكتاب، يمكن تقديم الكتاب الحالي ككتاب علمي دقيق ومثير للإعجاب. من حيث المظهر: يعتبر عنوان الكتاب، والمقدمة، والأهداف الواضحة، والطباعة الجيدة، وكذلك لغة الكتاب من بين نقاط القوة لدى المؤلف، ومن ناحية أخرى: عدم وجود غلاف خلفي مناسب، وعدم وجود التمهيد المناسب، تخطيط الصفحة السيئ، عدم وجود فهرس المحتويات وأيضا عدم وجود الصورة والشكل من بين نقاطالضعف لديه. من حيث المحتوى، يحتوي الكتاب على نقاط قوة لا حصر لها، مثل: وجود ترتيب منطقي وتماسك المحتوى، وتوافقه التام مع موضوع الدرس، والتوافق مع الثقافة الإسلامية، ومراعاة الحياد العلمي، فضلاً عن القوة العالية للمؤلف في التحليل العلمي وأيضا وجود نتيجة مثمرة. من ناحية أخرى، لديه العديد من نقاط الضعف السطحية التي يمكن إصلاحها بقليل من الجهد، مثل: عدم وجود خلفية علمية وبعض الادعاءات التي تبدو متحيزة.

الكلمات الرئيسة: النقد، الكتاب العلمي، ركان الصفدي، الفن القصصي في النثر العربي حتى مطلع القرن الخامس الهجري

---

١. أستاذ مساعد، اللغة العربية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران، البريد الإلكتروني: mbavanpouri@yahoo.com.

٢. أستاذ في جامعة شهيد مدني أذربايجان، الكتروني: abdolahad@azaruniv١.ac.ir.